

روسپیگری در سوئد

برای قرن‌ها این کلیشه گفته شده است که "روسپیگری همیشه بوده و خواهد بود"، اما اینک، موفقیت یک کشور در از میان برداشتن روسپیگری همانند فانوسی است که راه را روشن کرده است. سوئد تنها در طول پنج سال توانسته است شمار زنان روس - پ - ی در این کشور را به طرز چشمگیری کاهش دهد.

روسپیگری در استکهلم، پایتخت این کشور، دوسوم کاهش یافته است و در دیگر شهرهای بزرگ نیز به طور کامل حذف شده است. این در حالی است که در سه دهه گذشته، به سبب قانونی بودن روسپیگری، فاحشه‌خانه‌ها و مراکز ماساژ در سوئد رشد زیادی داشتند.

این نکته جالب است که هم‌اکنون شمار زنان خارجی که برای روسپیگری به سوئد قاچاق می‌شوند بسیار کم است. مقامات دولتی در سوئد تخمین می‌زنند که در ظرف سال‌های گذشته، تنها ۲۰۰ تا ۴۰۰ زن و دختر در هر سال، به این کشور قاچاق شده‌اند. این آمار در مقایسه با ۱۵ تا ۱۷ هزار زن و دختری که به کشور همسایه، فنلاند قاچاق شده‌اند، رقم ناچیزی است.

سوئد چگونه این مسئله پیچیده را مدیریت کرده است؟ نکته جالب اینجاست که راهکار

اجرائی، به هیچ وجه "پیچیده" هم نبوده است. اصولش آنقدر ساده است که این پرسش مطرح می شود: چرا تا حالا کسی آن را امتحان نکرده بود؟

قوانین مترقی سال ۱۹۹۹

پس از سال ها تحقیق و مطالعه، سوئد در سال ۱۹۹۹ قانونی را تصویب کرد که بر پایه آن،

"خرید سکس" جرم محسوب می شود، اما فروش آن به هیچ وجه جرم نیست. بدین

معنی که اگر

یک فاحشه با مشتری دستگیر شود، مرد مشتری را بازداشت و جریمه یا زندانی می کنند.

ولی با آن زن مثل قربانی برخورد می شود و نه مجرم. یعنی فرضاً او را به خانه امن یا

مراکز

باز آموزشی و غیره... می فرستند .

منطق پشت این

قانون نیز کاملاً روشن است:

روسپیگری در سوئد به عنوان

"

خشونت مرد علیه زن

و کودک"

تلقی می شود

روسپیگری به عنوان شکلی از "بهره‌کشی از زنان و

کودکان"

تعریف می شود و خود عامل بروز مشکلات اجتماعی بسیار است.

برابری‌های جنسی تا زمانی که درصدی از مردان، زنان و کودکان جامعه را خرید

و فروش

می کنند و مورد بهره‌کشی قرار می دهند، به نظر دست نیافتنی می رسد

علاوه بر راهکارهای مشخصاً قانونی، تمهیدات مهم دیگر نیز در این زمینه مطرح است.

به موجب این مقررات،

خدمات اجتماعی و امکانات مالی به

منظور کمک به روسپیان و نیز

آموزش جامعه در نظر گرفته می‌شود.

واقعیت این است که سوئد طی سال‌های طولانی برای تحقق حقوق برابر

زنان تلاش کرده

است.

برای مثال در سال

۱۹۶۵

،

" سوئد به مسئله

تجاوز در ازدواج "

پرداخت.

این درحالی است که حتی پس از سال

۱۹۸۰،

هنوز در

آمریکا،

در چند ایالت برای زنان "حق بر بدن" و کنترل آن را به رسمیت

نمی‌شناختند.

سوئد با روسپیگری به عنوان فرمی از خشونت علیه زنان

برخورد می‌کند.

در واقع مردی که از زنی سکس می‌خرد، مرتکب جرم می‌شود.

به

خاطر همین نیز در سوئد با بیشتر زنان روس - پ - ی به مثابه "قربانی"

رفتار

می‌شود؛ قربانیانی که نیاز به کمک و یاری دارند

از سویی دیگر،

منظور از میان برداشتن این ذهنیت تاریخی که روسپیگری امری است عادی و به
روسپیگری و گریزناپذیر، عموم مردم آموزش می‌بینند. در واقع مقررات مربوط به منع

خرید سکس،

بخشی از برنامه قانونی جامع‌تر در راستای مبارزه با

خشونت علیه زنان بود که در سال

۱۹۹۹

تصویب شد.

با توجه به الگوی موفق سوئد در زمینه مبارزه

با روسپیگری،

چرا کشورهای دیگر چنین رویه‌ای را پیش نگرفته‌اند؟

برخی از کشورها تلاش‌هایی کرده‌اند. البته،

برای نمونه فنلاند و نروژ در حال بررسی

این قانون هستند و اگر اسکاتلند نیز از نتیجه

تحقیق انجام شده درس بگیرد،

به همین سمت خواهد رفت

برای اینکه روسپیان را در شمار قربانیان

خشونت قلمداد کنیم،

لازم است ابتدا مقامات دولتی،

به جای آنکه مسئله را از
نقطه نظر مردان جامعه ببینند،
از دیدگاه زنان آن را تحلیل کنند.

نکته محوری

این است که در بیشتر کشورهای دنیا (البته نه در همه جا)

هنوز نگاه غالب به

روسپیگری،

نگاه مردانه است.

دولت سوئد هم چنین بالاترین شمار

سیاستمداران زن را در تمامی سطوح دولتی دارد.

در سال

۱۹۹۹،

وقتی دولت

قانون مترقی منع روسپیگری را تصویب کرد،

۵۰

درصد از نمایندگان پارلمان، زن بودند

